

## رابطه هوش معنوی و دین‌داری با قابلیت کارآفرینی دانشجویان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳

صفر حیاتی<sup>۱</sup>

از صفحه ۱۷۳ تا ۱۹۶

### چکیده

امروزه جهان به سرعت در حال دگرگونی و تغییر است و همگام شدن با این تحولات نیازمند به کارگیری افرادی خلاق و کارآفرین است. با توجه به این که هوش معنوی، با کمک به افراد جهت جایگزینی قواعد، موجب خلاقیت آنان می‌شود و تکیه‌گاهی برای رشد و تحول فرد می‌سازد، می‌توان گفت افراد دارای هوش معنوی بالاتر از قابلیت کارآفرینی بالاتری نیز برخوردار هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین هوش معنوی و دین‌داری با قابلیت کارآفرینی انجام شده است. طرح پژوهش توصیفی و از نوع هم‌بستگی است. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز است. نمونه به حجم ۴۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب و به پرسش‌نامه‌های استاندارد هوش معنوی بدیع، سواری، باقری و لطیفی‌زادگان، سنجش دین‌داری گلاک و استارک و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی پاسخ دادند. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین هوش معنوی و هوش اجتماعی و دین‌داری دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز با قابلیت کارآفرینی آنان وجود دارد. همچنین بین دانشجویان رشته‌های مختلف از نظر میزان قابلیت کارآفرینی، هوش معنوی و دین‌داری تفاوت معناداری وجود دارد.

### کلمات کلیدی

قابلیت کارآفرینی، هوش معنوی، دین‌داری، دانشجویان تحصیلات تکمیلی.

۱- استادیار، گروه مطالعات خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (رایانامه نویسنده مسئول: ac.hayati@azaruniv.ac.ir)

## مقدمه

توسعه اقتصادی فرایندی است که طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود. این فرایند نیازمند شکل‌گیری شبکه به‌هم پیوسته‌ای از ساختارهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است. در این شبکه به‌هم پیوسته مقوله توسعه انسانی که بیش‌تر ناظر به جنبه‌هایی مثل قابلیت‌های انسانی و نحوه استفاده از این قابلیت‌ها جهت دنبال کردن اهداف، فعالیت‌ها، ایجاد مشاغل، اوقات فراغت، فعالیت در امور اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در فرایند توسعه انسانی، توجه ویژه‌ای به امر توانمندسازی صورت گرفته و در قالب آن افراد یک جامعه از نوعی خوداعتمادی برخوردار شده و ضمن ارزیابی درست و شناخت واقعی خویش، با آگاهی لازم به سمت اهداف مربوطه گام برمی‌دارند (فرهنگی، ۱۳۹۰: ۳۴). در پژوهش حاضر، کارآفرینی به‌عنوان بخشی از فرایند توانمندسازی در جهت اشتغال‌زایی و گام نهادن در مسیر توسعه پایدار و حضور قشر تحصیل‌کرده و ایفای نقش مؤثر آن در این فرایند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و رابطه سازه‌های فرهنگی، معنوی و اجتماعی با آن مورد سنجش قرار گرفته است.

هرچه یک جامعه بیش‌تر در فعالیت‌های کارآفرینی شرکت کند، سریع‌تر به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست می‌یابد. امروزه جوامع به افرادی نیاز دارند که مصمم به کسب موفقیت و دارای روحیه استقلال‌طلبانه برای کاوش‌های جدید باشند (هزارجریبی، ۱۳۸۲: ۱۶۴). اهمیت کارآفرینی تا حدی است که بعضی از صاحب‌نظران آن را یکی از عوامل مهم تولید شناخته و از آن به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی نام می‌برند، به‌طوری‌که توسعه کارآفرینی یکی از نیازهای جدی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشوری است (عسگری وزیری، ۱۳۹۰: ۴). براین اساس تقویت کارآفرینی و ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه اقتصادی از ابزارهای پیشرفت اقتصادی کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است، به‌طوری‌که به استناد بیانیه جهانی کارآفرینی<sup>۱</sup>، نوعی هم‌بستگی قوی میان رشد اقتصاد ملی و سطح فعالیت کارآفرینانه ملی و سازمانی وجود دارد. کارآفرینی را می‌توان یک فرایند پویا دانست که شامل آرمان، تحول، دگرگونی و خلاقیت است. این فرایند به کاربرد و استفاده از

1 - Universal Declaration Entrepreneurship

نیرو و انگیزه افراد در جهت خلق و اجرای ایده‌های نو و هم‌چنین راه‌حل‌های کاربردی احتیاج دارد (میری، ۱۳۷۸: ۱۳۶).

توفیق مقوله کارآفرینی و کارآفرینان منوط به افزایش ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که در قالب قابلیت کارآفرینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. عواملی مانند هوش معنوی و دین‌داری، هوش فرهنگی و هوش اجتماعی، هر یک به‌نوبه خود اثرات مستقیمی بر این فرایند دارند. هوش معنوی در ایجاد خلاقیت، جایگزین کردن قواعد، ارائه توانایی تمیز و انتخاب، سرشار کردن افراد از شفقت و ادراک و شناخت محدودیت‌ها و تعامل بهتر جسم و ذهن تأثیرات شگرفی داشته و تکیه‌گاهی مطمئن جهت رشد و تحول ایجاد می‌کند و یا هوش اجتماعی که به توانایی درک بهتر دیگران، عمل و رفتار هوشمندانه و زیرکانه در روابط با دیگران و به‌کارگیری آن در تعاملات اجتماعی کمک می‌کند. هردوی این متغیرها در محیط اجتماعی قابل کسب هستند و دانشگاه‌ها و محیط‌های علمی مناسب‌ترین زمینه برای رشد و شکوفایی این توانایی‌ها محسوب می‌شوند.

بارتون کلارک<sup>۱</sup>، معتقد است که دانشگاه‌های پویا در قرن بیست و یکم، دانشگاه‌هایی هستند که کارآفرین بوده و بتوانند ارزش‌های تخصصی و مدیریتی را تلفیق کنند (سعیدی‌کیا، ۱۳۸۵: ۱۸). این سازمان متعهد می‌شود که محصولات جدید، فرایندهای جدید و نظام‌های نوین ایجاد کند. در این سازمان استعداد و ایده‌های افراد سازمان، اصلی‌ترین سرمایه محسوب می‌شوند (سعیدی‌کیا، ۱۳۸۵: ۱۳). با این نگرش تأکید بر میزان و نحوه کسب این سرمایه (قابلیت کارآفرینی) از سوی دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری در محیط دانشگاهی و تلاش در جهت بهبود و افزایش کارایی آن دغدغه‌ای است که پژوهش حاضر به‌دنبال مطالعه و تجزیه و تحلیل عناصر مرتبط با آن است. ضمن این‌که وظیفه اصلی دانشگاه را آموزش و تربیت نیروی انسانی تلقی کرده است، در کنار آن توجه به تربیت افرادی با ویژگی‌های کارآفرینانه در جهت ایجاد اشتغال و کاستن از میزان تحصیل‌کردگان بیکار نیز از دغدغه‌های اصلی محسوب می‌شود. در این‌صورت شاهد عملی شدن مقوله کوچک‌سازی دولت و عدم گرایش بیش از حد به مشاغل دولتی بوده و زمینه

1 - Barton Clark

برنامه‌ریزی‌های بهتر و چابک‌سازی و فعال شدن بیش از پیش دولت در بخش‌های مختلف خواهیم بود. هدف اصلی این مطالعه بررسی و شناسایی ارتباط بین هوش معنوی و دین‌داری با قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز است. در واقع این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که چه ارتباطی بین هوش معنوی و دین‌داری با قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز وجود دارد؟

### پیشینه پژوهش

نتایج مطالعه بهاروند و گوران (۱۳۹۹) نشان داد که بین هوش معنوی و نگرش به کسب‌وکار رابطه مثبت معنادار وجود دارد. هم‌چنین، تأیید شد که بین تمامی ابعاد هوش معنوی با نگرش به کسب‌وکار رابطه مثبت معنادار وجود دارد و از میان چهار بُعد هوش معنوی، بُعد «تفکر انتقادی وجودی» در تبیین نگرش دانشجویان به کسب‌وکار نقش دارد. دهقان نجم‌آبادی و یاوری (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر نقش میانجی معنویت بر رابطه بین رهبری معنوی و نگرش کارآفرینانه در سربازان وظیفه مشغول به خدمت در مراکز فرماندهی انتظامی استان یزد پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از تأثیر مثبت و معنادار رهبری معنوی بر نگرش کارآفرینانه، رهبری معنوی بر معنویت و در نهایت معنویت بر نگرش کارآفرینانه در بین سربازان بود. آن‌ها اظهار داشتند اگر در نظام سربازی، یک برنامه جامع برای شکل‌دهی به نگرش مذهبی سربازان وجود داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که آن‌ها در آینده با تکیه بر نظام ارزشی خود، اقدام به انجام فعالیت‌های کارآفرینانه کنند. محمدداودی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین هوش معنوی با روحیه علمی دانشجویان پرستاری شهرستان ساوه پرداخته که نتایج آن نشان داد که بین هوش معنوی و ابعاد آن (تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هشیاری) با روحیه علمی دانشجویان پرستاری شهرستان ساوه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. صفری جعفرلو و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مدل‌یابی تأثیر هوش معنوی و نگرش به کارآفرینی بر قصد کارآفرینی در دانشجویان»، دانشجویان علوم ورزشی استان فارس را مورد مطالعه قرار دادند، نشان داد که هوش معنوی، به‌صورت مستقیم

و غیرمستقیم، از طریق نگرش به کارآفرینی بر قصد کارآفرینی اثر مثبت دارد و مدل تأثیر هوش معنوی و نگرش به کارآفرینی بر قصد کارآفرینی دانشجویان از برآزش قابل قبولی برخوردار است.

مینی دهکردی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر هوش معنوی بر اشتیاق کارآفرینانه با نقش میانجی هویت ایده‌آل کارآفرینانه در کارآفرینان مستقر در پارک‌های علم و فناوری شهر تهران پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که هوش معنوی کارآفرینان بر اشتیاق کارآفرینانه و مرکزیت هویت ایده‌آل تأثیر مثبت و معناداری دارد و نقش میانجی مرکزیت هویت ایده‌آل در اشتیاق ابداعی و تأسیسی، قابل تأیید است. آقااحمدی و همکاران (۱۳۹۱) طی مطالعه‌ای با عنوان بررسی رابطه هوش اجتماعی با مهارت کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان چالوس که بین هوش اجتماعی و مهارت‌های کارآفرینی رابطه وجود دارد. هم‌چنین بین مؤلفه‌های هوش اجتماعی مثل پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت اجتماعی و آگاهی اجتماعی با مهارت کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد. به‌طور کلی افرادی که دارای توانمندی‌های برقراری رابطه اجتماعی و قدرت برقراری ارتباط در شبکه‌های روابط اجتماعی هستند، از مهارت کارآفرینی بیش‌تری برخوردار هستند. احمدیان و همکاران (۱۳۹۱) طی مطالعه‌ای با عنوان «هوش معنوی عامل ارتقای کارآفرینی در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد» نتیجه گرفتند که بین هوش معنوی و کارآفرینی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد طوری که افراد دارای هوش معنوی پایین، دارای سطح بالاتری از توانایی کارآفرینی هستند.

تاجپور و سلامزاده (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر هوش معنوی بر کارآفرینی سازمانی در کارمندان دانشگاه تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هوش معنوی تأثیر مثبت و معناداری بر کارآفرینی سازمانی دارد؛ بدان معنی که هرچه هوش معنوی در یک سازمان رشد یابد، فعالیت‌های کارآفرینی نیز افزایش می‌یابند. از بین ابعاد هوش معنوی، بُعد تفکر انتقادی وجودی بیش‌ترین قدرت پیش‌بینی کارآفرینی سازمانی را داشته و پس از آن ابعاد توسعه آگاهی، آگاهی و معاشناسی به‌ترتیب بیش‌ترین نقش را در تبیین کارآفرینی سازمانی دارند. راکو و

همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی مروری، به تبیین تعریفی صحیح و دقیق از معنویت و بررسی تأثیر آن بر فعالیت‌های کارآفرینی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که معنویت تأثیرات مثبتی بر فعالیت‌های کارآفرینی و صنایع تجاری می‌گذارد. معنویت، کارآفرینان را ترغیب می‌کند تا فرصت‌هایی را ایجاد کنند که دیگران نمی‌توانند ببینند. از این طریق، آن‌ها در تجارت بهتر عمل کرده و به نتایجی فراتر از انتظار دست خواهند یافت. کارآفرینان عادی در تلاش هستند تا سود کسب کنند، در حالی که یک کارآفرین معنوی به دنبال منافع دیگران است. موسریفاه و اسلام<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی کاربرد الگوی یادگیری کارآفرینی در بهبود هوش معنوی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در منطقه سیدار جا کشور اندونزی پرداختند و دریافتند که به‌کارگیری الگوهای پایدار و مستمر آموزش کارآفرینی در سنین کودکی، تأثیر مثبت و معناداری بر بهبود و ارتقاء هوش معنوی دانش‌آموزان خواهد داشت. سونیتا و آنتوان<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر هوش معنوی بر موفقیت فردی و سازمانی کارآفرینان شاغل در حوزه کسب‌وکارهای خانوادگی در صنعت خرده‌فروشی و خدمات در منطقه مالابار هندوستان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین هوش معنوی و موفقیت کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین، هوش معنوی هم بر موفقیت فردی و هم بر موفقیت سازمانی کارآفرینان مؤثر است.

### مبانی نظری

در این پژوهش با توجه به موضوع و هدف پژوهش که به رابطه کارآفرینی و هوش معنوی، هوش اجتماعی و دین‌داری می‌پردازد، می‌توان گفت که چارچوب نظری پژوهش شامل ترکیبی از تئوری و دیدگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی کارآفرینی است. هوش به‌عنوان ویژگی شخصیتی فرد و هوش اجتماعی و دین‌داری به‌عنوان ویژگی اجتماعی فرد نمی‌تواند بدون تأثیر و بی‌رابطه با کارآفرینی داشته باشد، همان‌طوری که مک‌کله‌لند در نتیجه‌گیری پژوهش خود، عواملی نظیر شیوه جامعه‌پذیری، شیوه‌های تربیتی والدین، طبقه اجتماعی والدین، ایدئولوژی حاکم،

1- Raco et al

2- Musrifah & Islam

3- Sunita & Anthuvan

مذهب و تحرک اجتماعی را عامل مهمی در افزایش یا کاهش کارآفرینی می‌دانست. هوش معنوی در سازمان موجب گسترش و تضمین معنویت در کار می‌شود. معنویت در سازمان در سه سطح فردی (تلاش برای یافتن معنا و هدف در زندگی کاری) گروهی (ارتباط قوی بین همکاران و افرادی که به‌نحوی در کار مشارکت دارند) و سازمان (هماهنگی بین اعتقادات و باورهای اصلی و ارزش‌های سازمان) جریان دارد (عابدی جعفری و رستگار، ۱۳۸۶: ۱۱۴). هوش معنوی موجب می‌شود افراد همیشه به‌دنبال دلایل چراهای اساسی باشند: چرا به دنیا آمده‌ام؟ چرا باید این شغل را انتخاب کنم؟ چرا باید از این مسیر بروم؟ کمک می‌کند افراد در ذهنیت و زمان‌گیر نکنند، تغییرات آن‌ها را نگران نکنند، بلکه در هر تغییری به‌دنبال فرصت جدیدی باشند تا به موفقیت برسند. هوش معنوی موجب می‌شود افراد نه درگیر گذشته باشند و نه نگران آینده، بلکه بتوانند از لحظات زندگی خود با تمام اتفاقات غیرمنظره‌ای که در آن‌ها هست، استفاده کنند. از مشکلات و اشتباه کردن نترسند و همیشه خودشان برای زندگی‌شان تصمیم بگیرند. در زندگی به‌دنبال تأیید یا تشویق دیگران نیز نباشند و فقط به راهی بروند که باور دارند درست است. ذهنشان در هیچ چارچوبی قفل نشود و هیچ بایدهی و نیابدهی را به‌سادگی نپذیرند. خلاقیت را با جسارت بیامیزند تا ایده‌های نوی خود را عرضه کنند. بنابراین، هوش معنوی چیزی بیش از توانایی ذهنی فردی است و فرد را به ماوراً فرد و به روح مرتبط می‌کند.

علاوه‌بر این، هوش معنوی فراتر از رشد روان‌شناختی متعارف است. بدین روی، خودآگاهی شامل آگاهی از رابطه با موجود متعالی، افراد دیگر زمین و همه موجودات می‌شود. هوش معنوی مفاهیم معنویت و هوش را در یک سازه جدیدتر با هم ترکیب می‌کند و به انسان این فرصت را می‌دهد که در مقابل واقعیت‌های مادی و معنوی حساس باشد و تعالی را هر روز در لابه‌لای اشیاء، مکان‌ها، ارتباطات و نقش‌ها دنبال کند (عسگری وزیری و زارعی متین، ۱۳۹۰: ۷۱). به‌نظر می‌رسد با توجه به این‌که هوش معنوی افراد را خلاق می‌کند؛ چون به افراد کمک می‌کند قواعد را جایگزین کنند و با مرزها بازی کنند؛ به ما توانایی تمییز و انتخاب می‌دهد؛ ما را سرشار از شفقت و ادراک می‌کند؛ و به ما کمک می‌کند محدودیت را ببینیم، و با توجه بر این‌که هوش معنوی، تعامل علت و عاطفه جسم و ذهن را تسهیل می‌کند، تکیه‌گاهی

برای رشد و تحول می‌سازد؛ و برای نفس، مرکزی فعال، وحدت بخش و معنادهنده فراهم می‌کند، بتوان گفت افراد با هوش معنوی بالاتر از کارآفرینی بالاتری نیز برخوردار هستند.

یکی دیگر از اهداف پژوهش، بررسی رابطه کارآفرینی با دین‌داری است. خنیفر (۱۳۸۸) در خصوص کارآفرینی در نظام ارزشی اشاره می‌کند: «کامل‌ترین نظام اقتصادی درباره کسب‌وکار اسلام است که به‌طور مستقیم به کسب‌وکار اشاره کرده و آنرا بالاترین ارزش‌ها در زندگی قلمداد می‌کند.» از حضرت رسول (ص) داریم که بیکاری عامل پوچ‌گرایی، خطاپذیری، دوری از خدا، انگیزه گناه و کج‌روی است. در قرآن مجید هم بیش از ۹۰ درصد آیات درباره زندگی، کار، دانش‌اندوزی و وظایف انسان در زندگی می‌باشد و فقط ۱۰ درصد آیات معاد و آخرت است. بنابراین می‌توان گفت اهمیت مسئله کار و کارآفرینی در نظرگاه دین مبین اسلام و نظام ارزش‌ها و ادیان آسمانی و مکاتب فکری و ارزشی بر هیچ‌کس پوشیده نیست و صریح‌ترین آیات نیز در این زمینه نازل شده است. از جمله در سوره هود، آیه ۶۱ می‌فرماید «خداوند شما را از زمین آفریده است و آنرا مستعمره قرار داده و خواسته است که با سعی و عمل آنرا معمور و آباد کنید». حضرت علی (ع) در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «خداوند به مردم امر کرده است زمین را با کشاورزی و فعالیت‌های خویش آباد کرده تا بدین‌وسیله بخشی از نیازهای خود را از محصولات آن تأمین کرده و در آسایش زندگی کنند» (حسینی، ۱۳۸۲).

کار و تلاش عنصر اساسی در نقش‌آفرینی انسان در طول حیات خویش است و این مهم در نظام ارزشی و دینی و حیات طیبه پیشوایان تصریح و تأکید شده است و همواره افراد خلاق و نوآور که خود مایه تأمین و اشتغال دیگران نیز هستند مورد لطف و عنایت بوده و افراد کارآفرین و سودمند تحت عنوان فاضل و با فضیلت به‌شمار می‌آیند، همان‌طوری که امام علی (ع) فرمودند: «با فضیلت‌ترین مردم، مفیدترین آنان برای مردمند» (خنیفر، ۱۳۸۵: ۱۵). بنابراین با توجه به ویژگی‌های کارآفرینی و مطالبی که در دین اسلام برای کسب‌وکار گفته شده، مشابهت‌های زیادی وجود دارد. در دین اسلام بر کار گروهی، مردم‌گرایی، مشورت و به‌طور اجتماعی زندگی کردن انسان‌ها تأکید زیادی شده است. در هیچ کجا از تعالیم این دین مقدس بر فردگرایی،



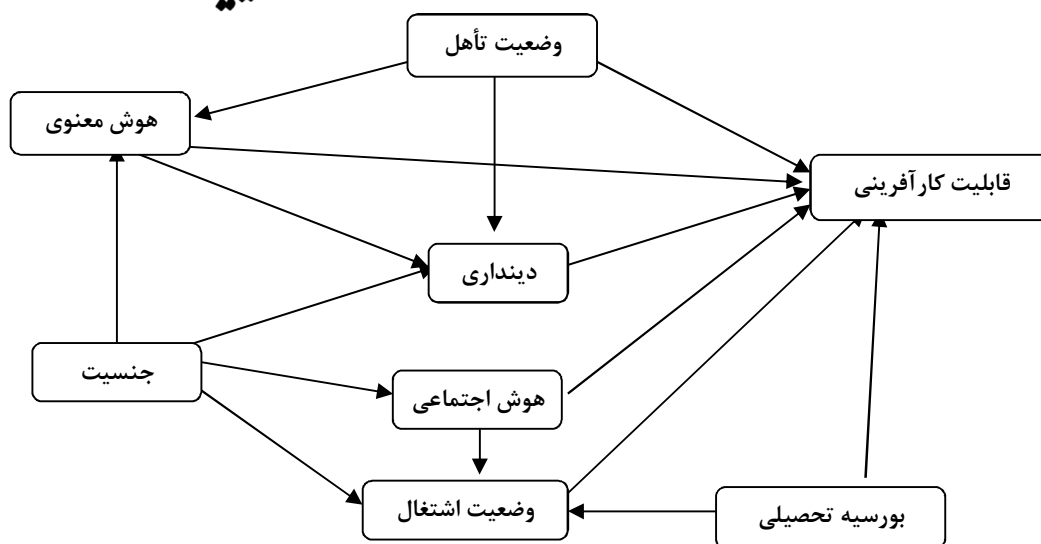
گوشه‌نشینی، دوری از مردم حتی اگر برای عبادت خدا باشد توصیه نشده است. گرچه عبادت امری نیکو و واجب است اما نباید فردی تمام زندگی خود را به عبادت در انزوا و دور از مردم اختصاص دهد.

به‌زعم صاحب‌نظران کارآفرینی، خطری که کارآفرینان می‌پذیرند یک خطر منطقی و حساب شده است، به عبارت دیگر، کارآفرینان به دنبال قمار نیستند. مفهوم توکل با این خطر منطقی ارتباط بسیار نزدیکی دارد. گرچه در باور عمومی از توکل برداشت نادرستی شده است اما مفهوم اصلی آن بیان می‌کند که هر کسی باید تلاش خود را برای رسیدن به هدف خویش انجام دهد و از ناملایمت‌ها و مشکلات نترسد و به خدا توکل کند. در واقع توکل در اسلام به معنی پذیرش خطرهای منطقی و داشتن امید به خدا برای موفقیت است.

آموزه‌های اسلام عامل مهمی در گرایش افراد به اهداف و برنامه‌های بلندمدت هستند. در اسلام افراد نباید صرفاً برای نیل به اهداف خود تلاش کنند که بخواهند هرچه زودتر آنرا کسب کنند، بلکه باید سعی کنند که به اقشار مختلف جامعه خدمت کنند. بحث آثار متأخر که در اسلام مطرح است انگیزه زیادی ایجاد می‌کند که افراد برای آینده‌های دور و حتی نسل‌های بعد برنامه‌ریزی کنند. همان‌طور که تشریح شد آموزه‌های اسلام نه تنها با معیارهای موفقیت کارآفرینی مخالفت ندارند بلکه شدیداً از آن‌ها حمایت می‌کنند و در نتیجه می‌توان گفت فرهنگ اسلام اصولاً خود فرهنگی کارآفرینانه بوده و بستر فرهنگی مناسبی برای توسعه کارآفرینی فراهم می‌کنند (سالارهی و هاشمی، ۱۳۸۷). بدین جهت با جمع‌بندی پیشینه نظری و تجربی انتظار می‌رود بین کارآفرینی و دین‌داری رابطه وجود دارد.

### الگوی مفهومی پژوهش

با توجه به آن‌چه که بیان شد و با استفاده از چارچوب نظری، الگوی مفهومی پژوهش با اقتباس از پژوهش‌های بدیع، سواری، باقری و لطیفی‌زادگان (۱۳۸۹)، گلاک و استارک (۱۹۶۵) و کردنائیج و همکاران (۱۳۸۶) به صورت زیر است؛



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش (منبع: پژوهش‌گر ساخته)

### فرضیه‌های پژوهش

- بین میزان هوش معنوی و میزان قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز رابطه وجود دارد.
- بین میزان هوش اجتماعی و میزان قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز رابطه وجود دارد.
- بین میزان دین‌داری و میزان قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز وجود دارد.
- بین دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه تبریز از نظر میزان هوش معنوی تفاوت وجود دارد.
- بین دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه تبریز از نظر میزان دین‌داری تفاوت وجود دارد.
- بین دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه تبریز از نظر میزان هوش اجتماعی تفاوت وجود دارد.

- بین دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه تبریز از نظر میزان قابلیت کارآفرینی تفاوت وجود دارد.
- بین دانشجویان زن و مرد دانشگاه تبریز از نظر میزان هوش اجتماعی تفاوت وجود دارد.
- بین دانشجویان زن و مرد دانشگاه تبریز از نظر میزان هوش معنوی تفاوت وجود دارد.
- بین دانشجویان زن و مرد دانشگاه تبریز از نظر میزان دین‌داری تفاوت وجود دارد.
- بین دانشجویان زن و مرد دانشگاه تبریز از نظر میزان قابلیت کارآفرینی تفاوت وجود دارد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-هم‌بستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در تمامی رشته‌های مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز که تعداد آن‌ها ۷۱۸۷ نفر بوده که با روش تصادفی طبقه‌ای و با استفاده از فرمول کوکران، نمونه آماری به تعداد ۴۳۰ نفر انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها عبارت هستند از پرسش‌نامه‌های استاندارد هوش معنوی (بدیع، سواری، باقری و لطیفی زادگان، ۱۳۸۹) و سنجش دین‌داری (گلاک و استارک، ۱۹۶۵) و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی (کردنائیج و همکاران، ۱۳۸۶) با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه‌ها و به‌دست آمدن ضرایب ۰/۷۸ و ۰/۹۲ به ترتیب برای پرسش‌نامه‌های هوش معنوی، دین‌داری و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی، پایایی ابزار پژوهش تأیید شد. جهت حصول اطمینان از روایی پرسش‌نامه‌ها، از روش روایی سازه استفاده شد.

### یافته‌ها

جدول شماره ۱: نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون دین‌داری و هوش معنوی با قابلیت کارآفرینی

دین‌داری	هوش معنوی	قابلیت کارآفرینی		
۰/۲۸۴	۰/۳۱۰	۰/۳۱۰	هم‌بستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	هوش معنوی
۴۳۰	۴۳۰	۴۳۰	تعداد	

بر اساس نتایج جدول شماره یک، سطح معنی‌داری آزمون هم‌بستگی پیرسون رابطه دین‌داری و قابلیت کارآفرینی ۰/۰۰۰ بوده و این سطح از ۰/۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است، کوچک‌تر می‌باشد. بنابراین رابطه بین میزان دین‌داری و میزان قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز از نظر آماری تأیید می‌گردد. سطح معنی‌داری آزمون هم‌بستگی پیرسون رابطه هوش معنوی و قابلیت کارآفرینی ۰/۰۰۰ بوده و این سطح از ۰/۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است، کوچک‌تر می‌باشد. بنابراین رابطه بین میزان هوش معنوی و میزان قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز از نظر آماری تأیید می‌شود.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون تحلیل و واریانس یک‌راهه قابلیت کارآفرینی بر اساس رشته تحصیلی

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	سطح معنی‌داری
قابلیت کارآفرینی	بین گروهی	۵۳۴۴۸/۹۵۹	۴	۱۳۳۶۲/۲۴۰	۲۲/۲۱۹	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۲۵۵۵۸۵/۱۸۳	۴۲۵	۶۰۱/۳۳۷		
	کل	۳۰۹۰۳۴/۱۴۲	۴۲۹			

با توجه به معنی‌دار بودن تفاوت میانگین‌های مربوط به متغیر قابلیت کارآفرینی در پنج گروه مورد بررسی، آماره‌های توصیفی و نتایج آزمون تعقیبی LSD این متغیر در رشته‌های پنج‌گانه تحصیلی در جدول شماره سه آورده شده است.

جدول شماره ۳: آماره‌های توصیفی متغیر قابلیت کارآفرینی بر اساس رشته تحصیلی

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
قابلیت کارآفرینی	فنی و مهندسی	۹۰	۲۸۳/۳۹	۱۹/۹۶
	علوم انسانی	۱۳۷	۲۸۴/۱۳	۲۶/۲۹
	کشاورزی و دام‌پزشکی	۷۳	۲۶۹/۳۴	۲۳/۸۸
	پردیس‌های دانشگاه تبریز	۵۷	۲۵۰/۷۹	۲۹/۸۸
	علوم پایه و پژوهشکده‌ها	۷۳	۲۷۴/۵۱	۲۲/۰۵
	کل	۴۳۰	۲۷۵/۴۱	۲۶/۸۴

جدول شماره ۴: نتایج آزمون تحلیل و واریانس یک راهه هوش معنوی بر اساس رشته تحصیلی

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار f	سطح معنی‌داری
هوش معنوی	بین گروهی	۶۰۶۵/۴۴۰	۴	۱۵۱۶/۳۶۰	۴/۵۸۴	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۱۴۰۵۸۹/۹۵۸	۴۲۵	۳۳۰/۸۰۰		
	کل	۱۴۶۶۵۵/۳۹۸	۴۲۹			

با توجه به معنی‌دار بودن تفاوت میانگین‌های مربوط به متغیر هوش معنوی در پنج گروه مورد بررسی، آماره‌های توصیفی و نتایج آزمون تعقیبی LSD این متغیر در رشته‌های پنج‌گانه تحصیلی در جدول شماره پنج آورده شده است.

جدول شماره ۵: آماره‌های توصیفی متغیر هوش معنوی بر اساس رشته تحصیلی

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
هوش معنوی	فنی و مهندسی	۹۰	۱۴۵/۳۸	۱۵/۷۵
	علوم انسانی	۱۳۷	۱۵۱/۸۵	۱۸/۶۹
	کشاورزی و دامپزشکی	۷۳	۱۴۷/۸۴	۱۷/۶۵
	پردیس‌های دانشگاه تبریز	۵۷	۱۴۰/۵۶	۲۳/۳۶
	علوم پایه و پژوهشکده‌ها	۷۳	۱۴۵/۲۹	۱۵/۷۹
	کل	۴۳۰	۱۴۷/۲۰	۱۸/۴۸

جدول شماره ۶: آزمون تفاوت میانگین قابلیت کارآفرینی دانشجویان زن و مرد

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
قابلیت کارآفرینی	زن	۲۰۷	۲۷۲/۹۱	۲۷/۷۸۷	۱/۹۳۱	۱/۸۶۵	۴۲۸	۰/۰۶۳
	مرد	۲۲۳	۲۷۷/۷۳	۲۵/۷۷۵	۱/۷۲۶			

با توجه به این‌که سطح معنی‌داری آزمون t برای مقایسه دانشجویان زن و مرد از نظر قابلیت کارآفرینی ۰/۰۶۳ بوده و این سطح از ۰/۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است، بزرگ‌تر می‌باشد، وجود تفاوت معنی‌دار بین این دو گروه در متغیر قابلیت کارآفرینی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. میانگین قابلیت کارآفرینی دانشجویان زن ۲۷۲/۹۱ بوده و میانگین دانشجویان مرد ۲۷۷/۷۳ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت بین دانشجویان زن و دانشجویان مرد از نظر میزان قابلیت کارآفرینی تفاوت معنی‌داری

وجود ندارد. در ادامه تحلیل آماری این فرضیه، دانشجویان زن و مرد از نظر میزان برخورداری از ابعاد هشت‌گانه قابلیت کارآفرینی نیز مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۷: آزمون تفاوت میانگین ابعاد هشت‌گانه قابلیت کارآفرینی دانشجویان

متغیرها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
خطرپذیری متعادل	زن	۲۰۷	۴۵/۵۶	۸/۴۶	۰/۵۸۸	۳/۶۷۹	۴۲۸	۰/۰۰۰
	مرد	۲۲۳	۴۸/۶۱	۸/۷۲	۰/۵۸۴			
کانون کنترل	زن	۲۰۷	۵۴/۶۹	۷/۶۰	۰/۵۲۸	۱/۱۸۰	۴۲۸	۰/۲۳۸
	مرد	۲۲۳	۵۳/۸۰	۷/۸۹	۰/۵۲۸			
نیاز به موفقیت	زن	۲۰۷	۴۶/۸۷	۶/۸۶	۰/۴۷۷	۰/۲۴۹	۴۲۸	۰/۸۰۳
	مرد	۲۲۳	۴۷/۰۳	۶/۶۰	۰/۴۴۳			
سلامت فکری	زن	۲۰۷	۳۵/۷۱	۶/۴۷	۰/۴۵۰	۱/۹۷۳	۴۲۸	۰/۰۴۹
	مرد	۲۲۳	۳۶/۹۲	۶/۳۲	۰/۴۲۴			
عملگرایی	زن	۲۰۷	۲۷/۹۳	۳/۴۴	۰/۲۴۰	۲/۵۸۶	۴۲۸	۰/۰۱۰
	مرد	۲۲۳	۲۷/۰۲	۳/۷۸	۰/۲۵۳			
تحمل ابهام	زن	۲۰۷	۲۴/۲۹	۴/۹۰	۰/۳۴۱	۱/۶۸۵	۴۲۸	۰/۰۹۳
	مرد	۲۲۳	۲۵/۱۲	۵/۱۹	۰/۳۴۸			
رؤیای‌پردازی	زن	۲۰۷	۲۰/۱۴	۳/۵۷	۰/۲۴۹	۲/۳۴۲	۴۲۸	۰/۰۲۰
	مرد	۲۲۳	۲۰/۹۲	۳/۳۶	۰/۲۲۵			
چالش‌طلبی	زن	۲۰۷	۱۷/۷۳	۳/۲۵	۰/۲۲۶	۱/۸۴۲	۴۲۸	۰/۰۶۶
	مرد	۲۲۳	۱۸/۳۰	۳/۱۲	۰/۲۰۹			

با توجه به این‌که سطح معنی‌داری آزمون t گروه‌های مستقل برای مقایسه ابعاد هشت‌گانه میزان قابلیت کارآفرینی در میان دانشجویان مجرد و متأهل، در چهار بُعد خطرپذیری متعادل، سلامت فکری، عمل‌گرایی و رؤیای‌پردازی از ابعاد هشت‌گانه این متغیر از ۰/۰۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است کوچک‌تر می‌باشد، وجود تفاوت معنی‌دار بین دانشجویان مجرد و متأهل از نظر میزان برخورداری از ابعاد فرعی هشت‌گانه میزان قابلیت کارآفرینی از نظر آماری مورد تأیید قرار می‌گیرد. ولی در چهار بُعد کانون کنترل، نیاز به موفقیت، تحمل ابهام و چالش‌طلبی از ابعاد هشت‌گانه این متغیر از ۰/۰۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است بزرگ‌تر می‌باشد، وجود تفاوت معنی‌دار بین دانشجویان مجرد و متأهل از نظر میزان برخورداری از ابعاد فرعی

هشت‌گانه میزان قابلیت کارآفرینی از نظر آماری مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. در بُعد خطرپذیری متعادل، دانشجویان زن با میانگین ۴۵/۵۶ از اعتماد اجتماعی بین فردی بالاتری در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۴۸/۶۱ برخوردارند. در بُعد سلامت فکری، دانشجویان زن با میانگین ۳۵/۷۱ از میزان تعامل اجتماعی بیشتری بین خود و اطرافیانشان در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۳۶/۹۲ برخوردارند. در بُعد عمل‌گرایی، دانشجویان زن با میانگین ۲۷/۹۳ از میزان مشارکت اجتماعی بیشتر و بالاتری در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۲۷/۰۲ برخوردارند. در بُعد رؤیاءپردازی، دانشجویان زن با میانگین ۲۰/۱۴ از میزان نزاع و درگیری کم‌تری بین خود و اطرافیانشان در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۲۰/۹۲ برخوردارند. در بُعد کانون کنترل، دانشجویان زن با میانگین ۵۴/۶۹ از اعتماد اجتماعی نهادی بالاتری در مقایسه با دانشجویان مرد ۵۳/۸۰ برخوردارند. در بُعد نیاز به موفقیت، دانشجویان زن با میانگین ۴۶/۸۷ از گرایش بیشتری نسبت به یکدیگر (انسجام اجتماعی بالاتری) در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۴۷/۰۳ برخوردارند. در بُعد تحمل ابهام، دانشجویان زن با میانگین ۲۴/۲۹ از میزان نزاع و درگیری کم‌تری بین خود و اطرافیانشان در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۲۵/۱۲ برخوردارند. در بُعد چالش‌طلبی، دانشجویان زن با میانگین ۱۷/۷۳ از میزان نزاع و درگیری کم‌تری بین خود و اطرافیانشان در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۱۸/۳۰ برخوردارند.

جدول شماره ۸: آزمون تفاوت میانگین هوش معنوی دانشجویان زن و مرد

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
هوش معنوی	زن	۲۰۷	۱۴۸/۸۶	۱۷/۳۰۵	۱/۲۰۳	۱/۷۹۶	۴۲۸	۰/۰۷۳
	مرد	۲۲۳	۱۴۵/۶۶	۱۹/۴۳۶	۱/۳۰۲			

با توجه به این‌که سطح معنی‌داری آزمون t برای مقایسه دانشجویان زن و مرد از نظر هوش معنوی ۰/۰۷۳ بوده و این سطح از ۰/۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است، بزرگ‌تر می‌باشد، وجود تفاوت معنی‌دار بین این دو گروه در متغیر هوش معنوی مورد تأیید قرار می‌گیرد. میانگین هوش معنوی دانشجویان زن ۱۴۸/۸۶ بوده و میانگین دانشجویان مرد ۱۴۵/۶۶ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت بین دانشجویان زن و

دانشجویان مرد از نظر میزان هوش معنوی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول شماره ۹: آزمون تفاوت میانگین هوش معنوی دانشجویان زن و مرد

متغیرها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
تفکر کلی و بعد اعتقادی	زن	۲۰۷	۴۸/۶۸	۶/۳۸	۰/۴۴۴	۴/۷۸۸	۴۲۸	۰/۰۰۰
	مرد	۲۲۳	۴۵/۴۲	۷/۶۳	۰/۵۱۲			
توانایی مقابله و تعامل با مشکلات	زن	۲۰۷	۴۴/۸۳	۱۱/۴۰	۰/۷۹۳	۱/۱۲۸	۴۲۸	۰/۲۶۰
	مرد	۲۲۳	۴۳/۶۱	۱۱/۰۳	۰/۷۳۹			
پرداختن به سجایای اخلاقی	زن	۲۰۷	۳۰/۸۱	۴/۳۹	۰/۳۰۵	-۰/۷۹۰	۴۲۸	۰/۴۳۰
	مرد	۲۲۳	۳۱/۱۵	۴/۵۳	۰/۳۰۴			
خودآگاهی و عشق و علاقه	زن	۲۰۷	۲۵/۱۴	۵/۰۹	۰/۳۵۴	-۰/۱۲۵	۴۲۸	۰/۹۰۰
	مرد	۲۲۳	۲۵/۲۰	۵/۱۶	۰/۳۴۶			

با توجه به این‌که سطح معنی‌داری آزمون t گروه‌های مستقل برای مقایسه ابعاد چهارگانه متغیر میزان هوش معنوی در میان دانشجویان زن و مرد، در بُعد تفکر کلی و بُعد اعتقادی از ابعاد هشت‌گانه این متغیر از ۰/۰۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است کوچک‌تر می‌باشد، وجود تفاوت معنی‌دار بین دانشجویان زن و مرد از نظر میزان برخورداری از بُعد فرعی تفکر کلی و بعد اعتقادی از نظر آماری مورد تأیید قرار می‌گیرد. ولی در سه بُعد توانایی مقابله و تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی و خودآگاهی و عشق و علاقه سطح معنی‌داری آزمون از ۰/۰۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است بزرگ‌تر می‌باشد، وجود تفاوت معنی‌دار بین دانشجویان زن و مرد از نظر میزان برخورداری از ابعاد فرعی سه‌گانه میزان هوش معنوی از نظر آماری مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

در بُعد تفکر کلی و بُعد اعتقادی، دانشجویان زن با میانگین ۴۸/۶۸ از تفکر کلی و بعد اعتقادی بالاتری در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۴۵/۴۲ برخوردارند. در بُعد توانایی مقابله و تعامل با مشکلات، دانشجویان زن با میانگین ۴۴/۸۳ از توانایی بالاتری برای مقابله و تعامل با مشکلات در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۴۳/۶۱ برخوردارند ولی تفاوت بین دانشجویان زن و مرد از نظر آماری معنی‌دار



نمی‌باشد. در بُعد پرداختن به سجایای اخلاقی، دانشجویان زن با میانگین ۳۰/۸۱ از توانایی پایین‌تری در پرداختن به سجایای اخلاقی در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۳۱/۱۵ برخوردارند ولی تفاوت بین دانشجویان زن و مرد از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد. در بُعد خودآگاهی و عشق و علاقه، دانشجویان زن با میانگین ۲۵/۱۴ از توانایی پایین‌تری در خودآگاهی و عشق و علاقه در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۲۵/۲۰ برخوردارند ولی تفاوت بین دانشجویان زن و مرد از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول شماره ۱۰: آزمون تفاوت میانگین دین‌داری دانشجویان زن و مرد

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
دین‌داری	زن	۲۰۷	۱۲۷/۹۵	۱۷/۰۳۰	۱/۱۸۴	۲/۰۹۶	۴۲۸	۰/۰۳۷
	مرد	۲۲۳	۱۲۴/۳۰	۱۸/۸۵۹	۱/۲۶۳			

با توجه به این‌که سطح معنی‌داری آزمون t برای مقایسه دانشجویان زن و مرد از نظر دین‌داری ۰/۰۳۷ بوده و این سطح از ۰/۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است، کوچک‌تر می‌باشد، وجود تفاوت معنی‌دار بین این دو گروه در متغیر دین‌داری مورد تأیید قرار می‌گیرد. میانگین دین‌داری دانشجویان زن ۱۲۷/۹۵ بوده و میانگین دانشجویان مرد ۱۲۴/۳۰ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت دانشجویان زن از دین‌داری بیش‌تری در مقایسه با دانشجویان مرد برخوردارند.

جدول ۱۱: آزمون تفاوت میانگین دین‌داری دانشجویان زن و مرد

متغیرها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
اعتقادی	زن	۲۰۷	۳۱/۸۱	۳/۸۹	۰/۲۷۱	۰/۶۳۹	۴۲۸	۰/۵۲۳
	مرد	۲۲۳	۳۱/۵۳	۴/۸۶	۰/۳۲۶			
مناسکی	زن	۲۰۷	۲۳/۲۹	۵/۷۶	۰/۴۰۱	۳/۷۳۳	۴۲۸	۰/۰۰۰
	مرد	۲۲۳	۲۱/۰۴	۶/۶۳	۰/۴۴۴			
تجربی	زن	۲۰۷	۲۶/۶۹	۴/۶۰	۰/۳۲۰	۴/۳۸۴	۴۲۸	۰/۰۰۰
	مرد	۲۲۳	۲۴/۴۸	۵/۷۲	۰/۳۸۳			

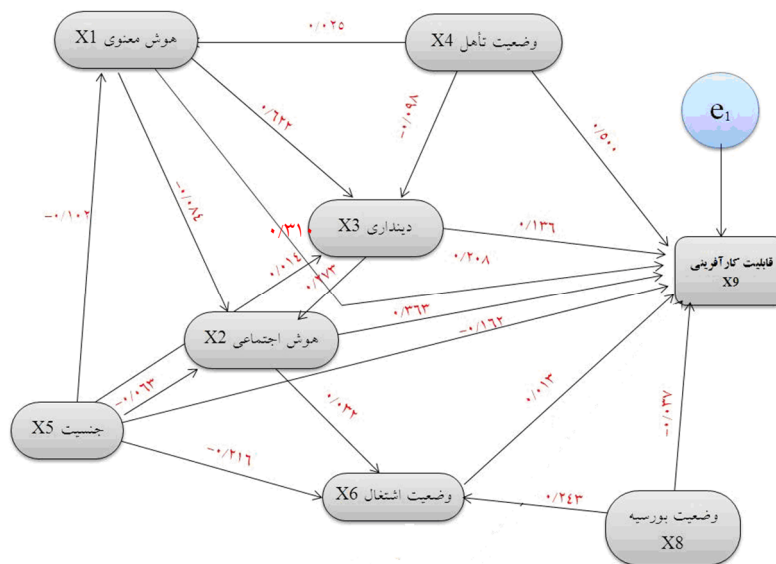
متغیرها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
پیامدی	زن	۲۰۷	۲۶/۹۲	۴/۱۲	۰/۲۸۷	-۱/۸۶۳	۴۲۸	۰/۰۶۳
	مرد	۲۲۳	۲۷/۶۹	۴/۴۵	۰/۲۹۸			
فکری	زن	۲۰۷	۱۹/۷۵	۴/۱۴	۰/۲۸۸	۱/۵۸۶	۴۲۸	۰/۱۱۳
	مرد	۲۲۳	۱۹/۱۲	۴/۱۱	۰/۲۷۶			

با توجه به این‌که سطح معنی‌داری آزمون t گروه‌های مستقل برای مقایسه ابعاد چهارگانه متغیر میزان هوش معنوی در میان دانشجویان زن و مرد، در بُعد مناسکی و بُعد تجربی از ابعاد پنج‌گانه این متغیر از ۰/۰۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است کوچک‌تر می‌باشد، وجود تفاوت معنی‌دار بین دانشجویان زن و مرد از نظر میزان برخورداری از بُعد مناسکی و بُعد تجربی از نظر آماری مورد تأیید قرار می‌گیرد. ولی در سه بُعد اعتقادی، پیامدی و فکری سطح معنی‌داری آزمون از ۰/۰۰۵ که حداقل سطح معنی‌داری است بزرگ‌تر می‌باشد، وجود تفاوت معنی‌دار بین دانشجویان زن و مرد از نظر میزان برخورداری از ابعاد فرعی سه‌گانه میزان دین‌داری از نظر آماری مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

در بُعد اعتقادی، دانشجویان زن با میانگین ۳۱/۸۱ از بُعد اعتقادی بالاتری در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۳۱/۵۳ برخوردارند ولی تفاوت بین دانشجویان زن و مرد از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد. در بُعد مناسکی، دانشجویان زن با میانگین ۲۳/۲۹ از مناسکی در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۲۱/۰۴ برخوردارند. در بُعد تجربی، دانشجویان زن با میانگین ۲۶/۶۹ از تجربی در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۲۴/۴۸ برخوردارند. در بُعد پیامدی، دانشجویان مرد با میانگین ۲۷/۶۹ از پیامدی در مقایسه با دانشجویان زن با میانگین ۲۶/۹۲ برخوردارند ولی تفاوت بین دانشجویان زن و مرد از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد. در بُعد فکری، دانشجویان زن با میانگین ۱۹/۷۵ از فکری در مقایسه با دانشجویان مرد با میانگین ۱۹/۱۲ برخوردارند ولی تفاوت بین دانشجویان زن و مرد از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول شماره ۱۲: ضرایب بتای اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مؤثر بر قابلیت کارآفرینی دانشجویان

متغیرهای مستقل	قابلیت کارآفرینی	دین‌داری	هوش اجتماعی	هوش معنوی	وضعیت اشتغال
	R2=۰/۳۶۹	R2=۰/۳۹۹	R2=۰/۰۶۰	R2=۰/۰۰۸	R2=۰/۱۱۲
	ضرایب بتا	ضرایب بتا	ضرایب بتا	ضرایب بتا	ضرایب بتا
هوش معنوی	۰/۲۰۸	۰/۶۲۲	-۰/۰۸۴	---	---
هوش اجتماعی	۰/۲۶۳	---	---	---	۰/۰۳۲
دین‌داری	۰/۱۳۶	---	۰/۲۷۳	---	---
وضعیت تأهل	۰/۵۰۰	-۰/۰۹۸	---	۰/۰۲۵	---
جنسیت	-۰/۱۶۲	۰/۰۱۴	-۰/۰۶۳	-۰/۱۰۲	-۰/۲۱۶
وضعیت اشتغال	۰/۰۱۳	---	---	---	---
محل سکونت خانواده	-۰/۰۱۳	---	---	---	-۰/۰۰۲
وضعیت بورسیه	۰/۰۳۷	---	---	---	۰/۲۴۳



نمودار شماره ۱: نمودار تحلیل مسیر متغیرهای اثرگذار بر قابلیت کارآفرینی دانشجویان

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه بررسی و شناسایی ارتباط بین هوش معنوی و دین‌داری با قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز است. با توجه نتایج آماره‌های توصیفی و نیز آزمون‌های آماری مختلف که جهت آزمون فرضیه‌های

پژوهش، اجرا شدند، نمره هوش معنوی و دین‌داری و نیز قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز از متوسط بالاتر بوده و بین هوش معنوی و دین‌داری با قابلیت کارآفرینی دانشجویان هم‌بستگی مثبت و معنی‌دار مشاهده شد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های صفری جعفرلو و همکاران (۱۳۹۶)، مطالعه بهاروند و گوران (۱۳۹۹)، دهقان نجم‌آبادی و یاوری (۱۳۹۸)، مبینی دهکردی و همکاران (۱۳۹۴)، راکو و همکاران (۲۰۱۹)، تاجپور و سلام زاده (۲۰۱۹)، مسریفه و (۲۰۱۷) و سونیتا و آنتوان (۲۰۱۵) هم‌سو است. بین جنسیت از نظر دین‌داری تفاوت معنی‌دار وجود داشته و دانشجویان زن از دین‌داری بالاتری نسبت به دانشجویان مرد برخوردار هستند. ولی در متغیرهای هوش معنوی و قابلیت کارآفرینی بین دانشجویان مرد و زن تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

نتایج به‌دست آمده از تحلیل داده‌های پژوهش با نتایج پژوهش احمدیان و عنابستانی (۱۳۹۱) با عنوان «هوش معنوی عامل ارتقاء کارآفرینی» که به بررسی رابطه هوش معنوی و کارآفرینی کارکنان پرداخته‌اند و در آن رابطه مثبت و معنی‌دار، بین هوش معنوی و کارآفرینی مشاهده شده و هم‌چنین افراد با هوش معنوی بالا نسبت به افراد با هوش معنوی پایین، دارای سطح بالاتری از کارآفرینی هستند، هم‌سو است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش که رابطه مستقیم بین هوش معنوی و میزان قابلیت کارآفرینی را نشان داد، با نتایج پژوهش نداف و همکاران (۱۳۸۹) که به بررسی رابطه هوش معنوی با بهره‌وری مدیران پرداخته‌اند و نتایج حاکی از آن است که ارتباط مستقیم بین هوش معنوی و بهره‌وری وجود دارد و هرچه میزان هوش معنوی فرد بیش‌تر باشد، میزان بهره‌وری کارکنان نیز بیش‌تر می‌شود، هم‌سو است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش که رابطه مستقیم بین هوش معنوی و میزان قابلیت کارآفرینی را نشان داد، با نتایج پژوهش الهه احمدیان و همکاران (۱۳۸۹) که در مطالعه‌ای با عنوان «هوش معنوی عامل ارتقاء کارآفرینی» دریافته‌اند که بین هوش معنوی و کارآفرینی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به‌طوری‌که افراد دارای هوش معنوی بالا، دارای سطح بالاتری از توانایی کارآفرینی هستند، هم‌سو است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش که رابطه مستقیم بین هوش معنوی و میزان قابلیت کارآفرینی را نشان داد، با نتایج پژوهش آوات فیضی و همکاران (۱۳۹۱)

که در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه هوش شناختی و تحمل ابهام با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور آذربایجان غربی» به این نتیجه رسیدند که بین هوش شناختی با کارآفرینی نسبت به تحمل ابهام رابطه معنی‌دار و قوی وجود دارد، هم‌سو است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش که رابطه مستقیم بین دین‌داری و میزان قابلیت کارآفرینی را نشان داد، با نتایج مطالعه اکبری و همکارانش (۱۳۹۱) با عنوان «رابطه باورهای مذهبی و تمایل به کارآفرینی» انجام داده‌اند و بین آثار دینی و تمایل به کارآفرینی رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده کرده‌اند و هم‌چنین در آزمون مقایسه میانگین به این نتیجه رسیده‌اند که بین رشته تحصیلی، دانش دینی و اعمال دینی و بین آثار دینی و تعهد دینی تفاوت معناداری وجود دارد، هم‌سو است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش که رابطه مستقیم بین دین‌داری و میزان قابلیت کارآفرینی را نشان داد، با نتایج پژوهش‌های خدایاری‌فرد و همکارانش (۱۳۹۱)، دهقان نجم‌آبادی و یاوری (۱۳۹۸) نشان داد که ارتباط معنی‌داری میان متغیرهای دین‌داری و موفقیت کارآفرینان مشاهده نکرده‌اند، هم‌سو نیست، ولی از این جهت که هم در مطالعه مذکور و هم در پژوهش حاضر، نمره دین‌داری کل و نیز نمره دین‌داری در هر یک از ابعاد سه‌گانه (شناختی، عاطفی و رفتاری) کارآفرینان در حد بسیار بالایی بوده، نشان از هم‌سویی نتایج به‌دست آمده با نتایج طرح پژوهشی سنجش دین‌داری دارد.

### پیشنهادها

- توجه به برنامه‌ریزی درسی در زمینه آموزش کارآفرینی از سوی وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و علوم، پژوهش‌ها و فناوری نه به‌عنوان ماده درسی، بلکه مجموعه دروس مرتبط با رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی و جنسیت دانش‌آموزان و دانشجویان.
- توجه به محتوای درسی، روش‌های تدریس و ارزش‌یابی دروس کارآفرینی با توجه به استاندارد درس کارآفرینی در دانشگاه‌های معتبر دنیا.
- توجه به آموزش سلسله دروس مرتبط با کارآفرینی و مفاهیمی که ریشه در اعتقادات و باورهای دینی مردم کشور دارند.
- توجه جدی و برنامه‌ریزی شده به درس کارآفرینی (با توجه به تجربه دروس معارف، بهداشت و دروسی مانند وصایای حضرت امام (ره) و بهداشت و تنظیم

- خانواده) و مشکلات و نارسایی‌هایی که در زمینه آموزش و ارزش‌یابی چنین دروسی در نظام آموزش وجود داشته است.
- ارائه درس کارآفرینی توأم با مبانی ارزشی و دینی مرتبط با کسب‌وکار و اشتغال در قالب نه صرفاً درس کارآفرینی، بلکه در چارچوب سمینارها، کارگاه‌ها، کار انفرادی، مشارکت در کلاس و توجه به جنبه‌های عملی و کارهای تیمی، طوری که از جذابیت‌های لازم برخوردار باشد.
  - توجه ساختار برنامه‌ریزی کشور به کارآفرینی و جایگاه دین در این مقوله، در قالب برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای.
  - دعوت از کارآفرینان به کلاس‌های درس و مشارکت دانشجویان در بحث‌های مشترک میان این گروه‌ها.
  - دعوت از کارشناسان متخصص در زمینه آموزه‌های مذهبی و هوش معنوی به کلاس‌های درس و مشارکت دانشجویان در بحث‌های مشترک.
  - توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، قومیتی و مذهبی دانشجویان مورد آموزش، جهت ارائه فعالیت‌های کارآفرینانه.
  - معرفی، آموزش و ارائه مبانی دینی و ارزشی (هوش معنوی) مرتبط با کارآفرینی در قالب دروس کارآفرینی.
  - توجه به لزوم تشکیل تعاونی‌های کارآفرینی با توجه به رشته‌های تحصیلی، مقاطع تحصیلی و جنسیت دانشجویان.
  - تغییر نام و ساختار دفاتر ارتباط با صنعت دانشگاه‌ها، تحت عنوان «دفاتر کارآفرینی» مستقر در دانشگاه.
  - ایجاد نمایشگاه‌های دائمی کسب‌وکارهای کوچک در دانشگاه.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از مسئولان و کارکنان معاونت آموزش و تحصیلات تکمیلی و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز که ما را در انجام این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

منابع

- آقااحمدی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی رابطه هوش اجتماعی با مهارت کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان چالوس. مازندران: دومین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی.
- سالارزهی، حبیب‌اله و هاشمی، جلیل. (۱۳۸۷). نقش ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی در ترویج کارآفرینی و ایجاد توسعه. مشهد: همایش اقتصاد اسلامی و توسعه.
- احمدیان، الهه و عنابستانی، مینا. (۱۳۹۱). هوش معنوی عامل ارتقاء کارآفرینی. مازندران: کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
- محمدداودی، امیر حسین. (۱۳۹۷). رابطه بین هوش معنوی با روحیه علمی دانشجویان پرستاری شهرستان ساوه. فصلنامه مطالعات منابع انسانی، ۸(۲۷)، ۵۷-۷۶.
- اکبری، مرتضی. (۱۳۹۱). رابطه باورهای مذهبی و تمایل به کارآفرینی. فصلنامه کارآفرینی، ۵(۱۸)، ۸۷-۱۰۵.
- فیضی، آوات. (۱۳۹۱). رابطه هوش شناختی و تحمل ابهام با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه پیام نور آذربایجان غربی. فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری، ۱۰(۲۵)، ۲۷۶-۲۸۴.
- خدایاری‌فرد، محمد. (۱۳۹۰). بررسی رابطه دین‌داری با موفقیت کارآفرینان ایرانی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۵(۴)، ۷-۲۵.
- عابدی جعفری، حسن و رستگار، عباسعلی. (۱۳۸۶). ظهور معنویت در سازمان، مفاهیم، تعاریف، پیش فرض‌ها و مدل مفهومی. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۲(۵)، ۹۹-۱۲۱.
- سعیدی کیا، مهدی. (۱۳۸۵). اصول و مبانی کارآفرینی (چاپ چهاردهم). تهران: انتشارات کیا.
- خنیفر، حسین. (۱۳۸۸). کارآفرینی در ادیان و مکاتب. تهران: دانشنامه کارآفرینی.
- خنیفر، حسین. (۱۳۸۵). کارآفرینی در نظام ارزشی (چاپ اول). قم: انتشارات اکرم.
- عسگری وزیری، علی و حسن زارعی، متین. (۱۳۹۰). هوش معنوی و نقش آن در محیط کار. فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱(۳)، ۶۳-۹۰.
- حسینی، سید نعمت‌اله. (۱۳۸۲). فوائد کار و مفاسد بیکاری. قم: انتشارات عصر انقلاب.
- بهاروند، فتانه و گوران، میلاد. (۱۳۹۹). تبیین مدل ارتباط بین هوش معنوی و نگرش به کسب‌وکار در دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان گروه مدیریت و حسابداری دانشگاه ولایت). فصلنامه مدیریت کسب‌وکار، ۴۵، ۲۷۲-۲۹۳.
- میری، مصطفی. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی: پیدایش، توسعه، گرایش‌ها و چالش‌ها. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱(۱)، ۱۳۱-۱۶۷.
- صفری جعفرلو، حمیدرضا؛ قربانی، محمدحسین و زارعیان، حسین. (۱۳۹۶). مدلیابی تأثیر هوش معنوی و نگرش به کارآفرینی بر قصد کارآفرینی در دانشجویان علوم ورزشی. فصلنامه مطالعات مدیریت ورزشی، ۴۶، ۲۱۳-۲۳۰.

- مبینی دهکردی، علی؛ مبارکی، محمدحسن و خالقی، آرمین. (۱۳۹۴). شناسایی تأثیر هوش معنوی بر اشتیاق کارآفرینانه با نقش میانجی هویت ایده‌آل کارآفرینانه (مورد مطالعه: کارآفرینان مستقر در پارک‌های علم و فناوری شهر تهران). فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۸ (۳)، ۴۵۳-۴۷۲.
- هزارجریبی، جعفر. (۱۳۸۲). توسعه کارآفرینی و دانش‌آموختگان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۹ (۳۰)، ۱۵۹-۱۷۷.
- Musrifah, S., & Islam, M. M. P. (2017). Entrepreneurship learning model in improving student's spiritual intelligence. *Journal of Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 125, 219-222.
- Raco, J., Ohoitumur, J., & Sobon, K. (2019). Spirituality: The power of entrepreneurship. *Emerging Markets Journal*, 9(1), 27-35.
- Sunita, R., & Anthuvan, V. L. (2015). Spiritual intelligence and entrepreneurial success in family business. *Journal of Business and Management*, 17(6), 13-20.
- Taj pour, M., & Salamzadeh, A. (2019). The effect of spiritual intelligence on organizational entrepreneurship: case study of educational departments in University of Tehran. *International Journal of Management and Enterprise Development*, 18(3), 205-218.